

# مبانی ساختار سیاسی اسلام

محمد علی کاویانی

امام جمعه شهرستان بیجار

فرمانروای همه هستی و کائنات بوده، همتا و شریکی ندارد و قرآن و شریعت مُنزل او ما فوق همه امور است؛ ۲- انسان با نعمت‌های عقل، اختیار، مسئولیت و خلافت در زمین تکریم شده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و خداوند حقوقی به او ارزانی داشته است، که هیچ قدرتی حق ندارد آنها را از او سلب نماید، مانند حق حیات، انتخاب شغل و کار، تشکیل خانواده، اقامت و نقل مکان، مالکیت، تحصیل، آزادی عقیده و ابراز آن و...

ساختار سیاسی اسلام از این بینش ژرف و گسترده نشأت گرفته و بر پایه اصولی کلی گردیده است، بدین معنی که باید دین بر قوانین دولتهای جهان اسلام حاکم باشد. آیات و احادیثی چند، دال بر این قول هستند. برای مثال در آیه ۲۲ سوره نساء می‌فرماید: «و اما نه، به خدایت سوگند که آنها مؤمن به حساب نمی‌آیند مگر اینکه تو را در اختلافات خویش حاکم نمایند و بعد هم نسبت به قضاوت تو، در دلشان احساس نارضایتی نکنند و عملاً تسلیم قضاوت تو باشند». پیامبر ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «چیزهایی را در میاتتان به جا گذاشته‌ام که اگر به آنها تمسک جوید هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و سنت خویش را». در واقع دولتی که پیامبر بزرگوار ﷺ در مدینه تأسیس

به عنوان یکی از بدیهیات مسلمانان، اسلام برنامه‌ای گسترده و همه جانبه و کامل برای زندگانی بشر می‌باشد. کسی که از اسلام آگاهی داشته باشد و با دیده انصاف بدان بنگرد، به این حقیقت اقرار می‌نماید که اسلام عقیده و زندگی، دنیا و آخرت، جسم و جان، دین و دولت، اقتصاد و فرهنگ، اخلاق و قانون و تمام جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. اسلام جوانبی را که جزو ثوابت هستند و تغییرات زمان و مکان در آنها تأثیر نمی‌گذارد از قبیل عقاید و عبادات و اخلاق به تفصیل مورد بحث قرار داده است و جزئیات آنها را بیان نموده است، اما در مورد جوانب متغیر که تحت تأثیر شرایط مختلف زمان و مکان قرار می‌گیرند، از قبیل سیستم سیاسی و اقتصادی فقط به بیان اصول و مقاصد کلی آنها اکتفا نموده و کیفیت اجرا و راهکارها و وسایل متناسب آن را به عقل و اندیشه بشر سپرده است تا در پرتو آن اصول کلی و با مد نظر قرار دادن شرایط روز برای اجرای آنها برنامه‌ریزی نماید. این دیدگاه از نظریه عمیق و گسترده‌ای سرچشمه گرفته است که آن را نظریه استخلاف می‌گویند که زیر بنای فلسفه سیاسی اسلام بوده و بر دو اصل اساسی ذیل بنا نهاده شده است:

۱- اقرار به یگانگی خداوند که آفریننده و پروردگار و



نمود، اولین دولت قانونمند در تاریخ بشریت بود که برای نخستین بار اصل حاکمیت قانون یعنی تبعیت دولت از قانون را مطرح ساخته است، آن هم در حالی که قبل از آن هیچگاه حکام حاضر به اطاعت از هیچ قانونی نبوده‌اند و همواره با خود کامگی حکومت کرده‌اند.

اصول کلی ساختار سیاسی اسلام عبارت‌اند از:

۱- شوری و مشورت؛ به این معنی که تنظیم برنامه‌های کلان مملکت در دولت اسلامی از طریق شوری به انجام می‌رسد. «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ذلک خیر و احسن تأویلاً»<sup>(۱)</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا(ج) و از پیامبر ﷺ و از فرمانروایانی که از خود شما هستند اطاعت نمایید و چنانچه در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید، این کار برای شما بهتر و خوش فرجام‌تر است.

«اطیعوا الله» یعنی از طریق قرآن «اطیعوا الرسول» یعنی از طریق سنت که عبارت است از قول، عمل و تقریر صحیح پیامبر ﷺ و «اولی الامر منکم» یعنی اهل شوری، یا اهل حل و عقد، که از علما و رهبران فکری، سیاسی و اجتماعی تشکیل می‌شود. اصولاً شورا یک صفت عام و اساسی برای جامعه مسلمانان و دولت اسلامی است، و باید در تمام زمینه‌های زندگی نمود داشته باشد.

قرآن به صراحت بر اصل شورا تأکید می‌نماید. یکی از سوره‌های قرآن نیز شوری نام دارد که در آیه ۳۸ این سوره جامعه اسلامی را این‌گونه توصیف نموده است: «آنها کسانی هستند که به دعوت پروردگار پاسخ مثبت دادند و اقامه نماز نمودند و امور خود را از طریق شورا در میانشان به انجام می‌رسانند و از آنچه که روزیشان کرده‌ایم انفاق می‌نمایند»<sup>(۲)</sup>.

■ دولتی که پیامبر بزرگوار ﷺ در مدینه تاسیس نمود، اولین دولت قانونمند در تاریخ بشریت بود که برای نخستین بار اصل حاکمیت قانون یعنی تبعیت دولت از قانون را مطرح ساخته است.

چنانچه ملاحظه می‌نمائیم، نظر به اهمیت اصل شورا که آن را در میان دو اصل از شعائر مهم عبادی و اساسی جوامع اسلامی یعنی اقامه نماز و انفاق ذکر فرموده است (بسیاری از مفسران انفاق را به زکات تفسیر کرده‌اند)، پس وجود شورا در حکومت اسلامی واجب است.

## ۲- ملت منشأ قدرت در حکومت اسلامی

در دولت اسلامی، قدرت در دست ملت است و این قدرت در سه زمینه نصب و عزل رئیس دولت و نمایندگان و نظارت بر کار حکومت، یعنی التولیه، العزل و الرقابہ اعمال می‌شود. این امر اصلی مهم در سیستم سیاسی دولت اسلامی است و خلفای راشدین بر آن پایبند بوده‌اند و به خاطر اعتقاد به این اصل مهم نیز پیامبر خدا ﷺ کسی را تعیین نفرموده بود که بعد از او قدرت سیاسی را در دست بگیرد، لذا مهاجرین و انصار و اعضای شورای مسلمانان در مدینه منوره قبل از مراسم تدفین پیامبر ﷺ در سقیفه بنی ساعده گرد هم آمدند و ابوبکر صدیق ﷺ را برای این امر تعیین نمودند و او را به خلافت و فرمانروایی مسلمانان برگزیدند. عموم مسلمانان با او بیعت کرده و نسبت به خلافت و فرمانروایی او رضایت خود را اعلام داشتند.

حضرت ابوبکر ﷺ نیز قبل از وفات در این باره خطاب به مسلمانان فرمود، خداوند انتخاب فرمانروا را به خودتان واگذار کرده است شما نیز هر کس را دوست دارید فرمانروا سازید. حتی انتخاب فاروق اعظم عمر بن خطاب ﷺ از جانب خلیفه اول ﷺ فقط جهت نامزد نمودن او و نوعی تأیید به درخواست اهل شورا بوده است و در واقع این مسلمانان بودند که بعد از وفات حضرت



ابوبکر رضی الله عنه حضرت عمر رضی الله عنه را برگزیدند، و بعنوان خلیفه با او بیعت نمودند. خلیفه سوم و چهارم نیز به همین ترتیب انتخاب شدند و در واقع دلیل نامگذاری آنها به خلفای راشدین این بوده است که با خواست و اراده و رضایت مردم برگزیده شده‌اند. بنابراین دولت اسلامی به جهت سپردن حق انتخاب و تعیین زمامدار به ملت در تاریخ سیاسی جهان پیشقدم تمام دولت‌ها بوده است.

### ۳- حرمت و استقلال قوه قضاییه و دادگاه‌ها

قوه قضاییه و دادگاه‌ها در ساختار سیاسی اسلام، از حرمت و استقلال کامل برخوردارند و جز شریعت الهی هیچ قدرتی بر آن حکم نمی‌راند و تمام اعضای جامعه اسلامی در برابر قوه قضاییه، هیچگونه مصونیتی ندارند و حتی رئیس دولت و خلیفه نیز اغلب اوقات همانند یک فرد عادی در دادگاه حضور یافته است، و تاریخ گواه این مدعا است.

در صورت مختلف حکومت اسلامی، حرمت و استقلال قوه قضاییه حفظ شده و این قوه در نظارت و بازپرسی از فرمانروایان، نقش مهم و برجسته‌ای ایفا نموده است.

### ۴- الحسبه؛ امر به معروف و نهی از منکر

الحسبه دستگاه نظارت و کنترل عموم است که باید دولت اسلامی آن را ایجاد نماید تا در صورت عدم اجرای معروف، بدان امر و یا در صورت انجام آشکارا عملی منکر از آن جلوگیری نماید، البته باید استقلال آن از طرف دولت تضمین گردد. از طریق این دستگاه عمومی، جامعه و حکومت اسلامی از انحراف و فساد محفوظ خواهند ماند. الحسبه، به این معنی اگر چه یکی از وظایف حکومت اسلامی

است اما در عین حال وظیفه‌ای است که متوجه یکایک افراد جامعه اسلامی نیز خواهد شد و در رابطه با جرایم مشهود، می‌توانند بر حکومت و مردم نظارت نمایند، البته بدون آن که وارد حریم اسرار مردم شوند و یا به جاسوسی در زندگی شخصی آنها بپردازند. چون این تکلیف در مورد اعمالی است که آشکارا انجام می‌گیرند و محل اختلاف و ابهام نیست. رسانه‌های ارتباط جمعی و جمعیت‌ها و احزاب نیز می‌توانند این وظیفه را انجام دهند. به این ترتیب در سایه اسلام، حکومت و مردم یکدیگر را یاری می‌کند تا انحراف و طغیان پدید نیاید و طرفین از فساد مصون بمانند. نمونه‌ای از تعهد و صداقت و عدالت گستردگی و وجود احساس مسئولیت ربانی در دوران خلافت خلفای راشدین رضی الله عنهم را حضرت علی رضی الله عنه اینگونه توصیف می‌کند: روزی فاروق را دیدم که وحشت زده در راهی می‌دوید گفتم ای امیرالمؤمنین چه شده به کجا می‌روی؟ در جواب گفت: شتری از شترهای زکات فرار کرده، می‌خواهم او را بر گردانم، گفتم: با این عملکرد، شما کسی را که بعد از شما حکومت را در دست بگیرد به سختی انداخته‌اید! در جواب گفت: قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت اگر بزغاله‌ای، در کنار فرات ضایع گردد در روز قیامت عمر مؤاخذه می‌شود.

سرپرستی امور مردم از مهمترین وظایف دین است که جز به وسیله آن دیانت استوار نمی‌ماند و از این جهت است که الله تعالی امر به معروف و نهی از منکر و یاری مظلوم و موارد دیگر مانند جهاد، عدالت و اجرای حدود را که جز با قدرت و حکومت تحقق نخواهند یافت واجب کرده است. آزادی اندیشه از جمله حقوق فرد است که در

■ تنظیم برنامه‌های کلان مملکت در دولت اسلامی از طریق شوری به انجام می‌رسد.

■ اصولاً شورا یک صفت عام و اساسی برای جامعه مسلمانان و دولت اسلامی است، و باید در تمام زمینه‌های زندگی نمود داشته باشد.

حکومت اسلامی در نهایت اهمیت و منزلت قرار دارد، کاستن از آن برای حکومت جائز نیست و برای فرد نیز روا نیست که از آن صرف نظر کند. اسلام انسان را از هر گونه اسارتی رها کند، زنجیرهایی را که بر دست و پا داشت گسست، داغ بردگی و اسارتی را که بر پیشانی داشت محو کرد و به انسان شخصیت و هویت بخشید.

فصل بعدی آزادی که اسلام به انسان عطا فرمود آزادی اندیشه و عقیده بود، بنابراین اسلام نه تنها راههای گوناگون اندیشیدن را به رسمیت می شناسد بلکه به تعدد و برخورد آراء و گستردگی آگاهی و تنوع فرهنگی دعوت می کند. اسلام «اندیشه» را میراث گرانبهای انسانی می داند که محصول مشترک ملت‌هاست و از همین رو است که مسلمانان در ساختار تمدن خود از میراث‌های فکری، علمی، تجربی تمدن‌های پیشین و معاصر و فرهنگ متنوع آنها بهره‌برداری کرده و می کند. بزرگترین شاهد بر آزادی اندیشه در اسلام تعدد آرای سیاسی و فرقه‌های کلامی و دینی و مکاتب اجتهادی است.

نظام شورایی اصلی است که قرآن صریحاً آن را بیان داشته است: «و امرهم شوری بینهم»؛ این اصل زیر بنای ساختار سیاسی - اجتماعی دولت اسلامی و نمودی از دموکراسی و مردم سالاری اسلامی است، چرا که در اسلام، اندیشه و سخن احسن برتر است. اما دموکراسی غربی جدید کلمه‌ای توخالی و مبادیش پوچ و بی معنا است.

نمونه‌هایی از دموکراسی غربی

۱- دموکراسی فرانسه

همه می دانند که فرانسه از پگاه پیروزی انقلابش، مبدأ دموکراسی غرب بشمار می رود و کشوری است که از دیرباز حقوق بشر را مقرر داشته و غرب

شعارش را می دهد. حال باید نگاهی به صدر و ذیل این دموکراسی مکار که مادر آزادیها نام گرفته انداخت تا ببینیم چه کرده و چه می کند، هنگام آن رسیده تا پرده از چهره این دموکراسی متناقض برداریم و جنایات آن را در کشورهای جهان سوم ملاحظه کنیم، آیا براستی خنده آور نیست که ببینیم دموکراسی پر ادعای جهان که رنگ و نیرنگش چشمه‌ها را خیره کرده و میاهوی آزادی خواهی اش گوشه‌ها را خسته ساخته، رسالتش قلع و قمع حقوق و آزادیهای اساسی و عزت و شرف انسانی جوامع جهان سوم است؟

کشور گاه‌های الجزایر، از جنایات فرانسه در سوریه و لبنان چیزی نمی گویم، همه می دانیم که در لبنان و سوریه چه کرده است. در اینجا اعترافات دو نویسنده مشهور و معاصر فرانسه را می آورم که اخیراً کتابی درباره الجزایر نوشته‌اند با عنوان «الجزایر علیه قانون» اینک به اعترافات این دو نویسنده فرانسوی آقایان کولیت و فرانسویس جانسون گوش فرا دهید که در پیشگاه تاریخ ایستاده و شهادت می دهند و نمونه‌هایی از پیشینه دموکراسی فرانسه را ارائه می کنند: «در غروب روز ششم آوریل ۱۸۳۲ فرمانده فرانسوی، رویگو، به قبیله «الیفا» در الجزایر حمله کرد و پیر و جوان و کودک و زن و مرد را قتل عام نمود و سپس سر قربانیان را بریده بر فراز نیزه‌هایشان کردند. در اکتبر سال ۱۸۳۶ میلادی سرهای بسیاری از قربانیان به عنوان هدیه در صندوقهای سربسته برای کنسول دانمارک فرستاده شد. زنان و دختران اسیر را به عنوان غنائم جنگی همچون برده‌های قرون وسطای غرب به زنجیر بسته، گوش و بینی شان را حلقه کشیده و در بازار باب‌الزون به معرض فروش گذاشتند. فاتحان دموکرات فرانسوی و منادیان

■ در دولت اسلامی، قدرت در دست ملت است و این قدرت در سه زمینه نصب و عزل رئیس دولت و نمایندگان و نظارت بر کار حکومت، اعمال می‌شود.



دموکراسی انقلاب فرانسه از سرمستی و شادمانی از این فاجعه هولناک، خانه‌های ساکنان الجزیره را به آتش کشیدند. فرانسویان دموکرات متجاوز بر روی قبربانیان و اسیران انواع شکنجه‌ها را می‌آزمودند. بوژوت، فرمانده فرانسوی، در سال ۱۸۴۲ روستاهای بنی‌مناصر، بنی‌سالم و بلقاسم الجزایر را به آتش کشید. برترین ابداع فرانسویان سوزاندن دسته جمعی انسانها بود، در سال ۱۸۴۵ هزاران انسان را سوزاندند. این هم چند نمونه تاریخی از مفهوم دموکراسی و آزادی و حقوق بشر در فرانسه؛ فرانسه دموکراتیک و آزاد نتوانست پوشش اسلامی دختران مسلمان مقیم فرانسه را تحمل کند، این مفهوم واقعی دموکراسی در فرانسه است.

#### دموکراسی انگلیس

از پیشینه استعماری و غارتگری بریتانیای کبیر در شبه قاره هند، خاورمیانه و دیگر نقاط آسیا و آفریقا و اروپا و آمریکا چیزی نمی‌گویم، از همین فلسطین یاد می‌کنیم که شاهد آشکار و سند روشنی است از دموکراسی و حقوق بشر انگلستان، از میلیونها آواره فلسطینی یاد می‌کنیم که بنا به اراده دموکراسی انگلستان باید آواره از وطن، گرسنه، بیمار و پریشان در غربت بمیرند، از ساکنان فلسطینی طبریا، حیفا، رمله و دیر یاسین یاد می‌کنیم که با گلوله‌های انگلیسی - صهیونیستی قتل عام می‌شوند و بی‌پرده بگویم پریشانی و بدبختی موجود جهان اسلام ناشی از سیاست استعماری و شیطانی انگلستان است.

انگلیسیها در خیانت و جنایت و نابودی ملتها استادند، در زیر پا گذاشتن همه قراردادهای پیمانهای بین‌المللی و حقوق ماهرند.

#### دموکراسی آمریکا

از دموکراسی آمریکایی که خود را حامی آزادیهای چهارگانه می‌داند و اخیراً منادی حقوق بشر در سراسر جهان است چه می‌توان گفت؟ از جنایات آمریکا در کسره، ویتنام و دیگر جاهای جهان مخصوصاً فاجعه فلسطین، عراق و افغانستان ترور رهبران فکری و رجال برجسته حرکت‌های اسلامی مردم مظلوم فلسطین؟ در این دموکراسی دروغین هنوز اصالت انسان عبارت است از اصالت خون، نژاد و رنگ! دموکراسی رنگ پرست و نژادپرست حاکم بر جهان هنوز نتوانسته حقیقت انسانی سیاهان و سرخ پوستان بومی آمریکا را بپذیرد، هنوز سیاهان و دیگر تیره‌ها و رنگها و نژادهای غیر سفید از حقوق یکسان یا شهروندان سفیدپوست برخوردار نیستند، هنوز در برخی مناطق سیاهان حق ندارند وارد مدارس، آموزشگاهها، دانشگاهها، اتوبوسها و قطارها شوند و کیست که سرنوشت دردناک آن دختر دانشجوی سیاه پوست دوشیزه ارتولوسی را نداند. دختر بینوایی که ماجرای دردناکش زمان بس درازی جامعه آمریکا را متوجه خود کرد، او که به عشق دانش کوشیده تا هر طور شده وارد دانشگاه تگزاس شود اما هرگز موفق نشد چرا که جامعه نژادپرست آمریکا حضور یک سیاه پوست را در دانشگاههای آمریکا کسر شأن، حرمت، کرامت و برتری نژاد و رنگ خود می‌داند. آیا با وجود این همه جنایات هولناک در جوامع غربی، باز هم غرب حق دارد که شعار دموکراسی سر دهد؟ آیا در غرب واقعاً دموکراسی وجود دارد، غربی که در سراسر جهان دستش به خون آزادی‌خواهان آلوده است و هرگونه فریاد آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی را سرکوب می‌کند که مدعی حقوق بشر و دموکراسی باشد، آیا

■ قوه قضاییه و دادگاهها در ساختار سیاسی اسلام، از حرمت و استقلال کامل برخوردارند و جز شریعت الهی هیچ قدرتی بر آن حکم نمی‌راند و تمام اعضای جامعه اسلامی در برابر قوه قضاییه، هیچگونه مصونیتی ندارند

بندگی خود می‌کشید در حالی که آزاده از مادر متولد شده‌اند.

تاریخ گواه است که اسلام به عنوان یک نظام اجتماعی در ساختن و مدیریت و رهبری جامعه، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی بسیار دل‌انگیزی دارد و تمدن درخشان اسلامی گواه آن است؛ در اندلس، در دمشق، در مدینه، و همه آن پیروزیها و درخشندگیها ناشی از همان برنامه‌ریزی و سازماندهی و نظام اجتماعی اسلام بود. آیا ما حق نداریم به تاریخ بگوئیم: گوشه‌ای را باز کن تا ندای اسلام را بشنوی و بر سر مردم جهان فریاد بزنی، که ستمگران و ثروت‌اندوزان را بترساند و بلرزاند، از آنچه اندوخته‌اید و می‌خواهید بر جای نهد انفاق کنید! سپس بر آنان با تازیانه نهضت ستم‌دیدگان و محرومان جهان با این حدیث نبوی ﷺ فرود آی که: «هر گاه مردم ستمگری را ببینند و بر او نشورند، زود باشد که خداوند همه شان را عذاب کند».

آیا حق نداریم قلم تاریخ را از حرکت باز داریم و به او بگوئیم، با شگفتی تام و افتخار تمام بنویس: «که همانا رئیس نخستین دولت اسلام حضرت محمد ﷺ از دنیا رفت و زره‌اش در گرو یک یهودی بود».

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «مردم همچون دندانهای یک شانه مساوند، عرب را بر عجم برتری نیست مگر به پرهیزگاری و فرمود همه تان از آدم و آدم از خاک است». از دیدگاه اسلام همه مردم یکسان آفریده شده‌اند و خداوند به آنان حقوقی اعطا فرموده که غیر قابل انکار است از جمله: حق زندگی، حق آزادی مشروع و کار و کوشش و خوشبختی.

\*○●\*

دموکراسی غرب یک دموکراسی واقعی است که دولتهای غربی علیه خلقهای جهان سوم توطئه کنند و سرزمینشان را میان خود تقسیم نمایند و مزدوران و دست‌نشانده‌هاشان را بر سرنوشت آنان حاکم گردانند، و به نام دموکراسی و اقدامات ضد تروریستی، ثروت ملل محروم و مسلمان مظلوم را بدزدند، و بگویند که از آزادیها و رهایی ملت‌ها دفاع می‌کنیم؟ آیا این دموکراسی است که غرب فاسد و متعصب و ملحد غارتگر و دولتهای امپریالیست غربی هر چه بخواهند بر سر شرق مظلوم آورند و گرگها و سگهای خود را به جان و مال و ناموس و دین و اخلاق و فرهنگ و تمدن تاریخی شرق رها کنند؟ ما هنگامیکه ظالمانه و ناروا «دموکراسی» را به دشمنان بشریت و مبشران تباهی و فساد و الحاد جهانی و توطئه‌گران علیه بشریت نسبت می‌دهیم به (دموکراسی) ستم کرده‌ایم.

### ۵- حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی

حکومت اسلامی وظیفه دارد حقوق آحاد ملت را تأمین نماید و آن را از هر نوع تضییع و پایمال گشتن، حفظ نماید. اصولاً اسلام آمده است تا در حوزه «ضروریات» پنج هدف اساسی زندگی را محقق سازد که عبارتند از حفظ دین و جان و عقل و مال و نسل. در این باره پیامبر گرامی اسلام نیز می‌فرماید: «خون و مال و ناموس هر مسلمانی بر مسلمان دیگر حرام است». و در رابطه با حفظ حقوق غیرمسلمانان ساکن در قلمرو دولت اسلامی نیز می‌فرماید: هر کس هموطنان غیر مسلمان (ذمی) را بیازارد، مسلماً مرا آزرده است. در این باره سخن گهربار حضرت عمر بن خطاب ﷺ هنوز هم بر تارک تاریخ می‌درخشد: «متی استعبدتم الناس و قد ولدتهم امهاتهم احراراً»؛ شما چگونه این مردم را به

■ حکومت اسلامی وظیفه دارد حقوق آحاد ملت را تأمین نماید و آن را از هر نوع تضییع و پایمال گشتن، حفظ نماید.